

# سیاست زندگی و شرف ملاک سنجش دوستی و دشمنی هر کس با ملت ایران

سخنان معاون سیاسی وزارت خارجه در جلسه مجلس شورای ملی یکبار دیگر پرده از روی حقایق اندوخته‌ها بکنار زد - حقایقی که از سوئی‌هاکی از تجاوزی‌گیر به حقوق ملت ایران و از سوئی دیگر سکوت و بردباری و زرمش بدون سبب سازمانهای مسئول کشور ما برابر این همه تعدی و تجاوز میباشد .

من ، هنگامیکه از رادیو بچکیده سخنان معاون وزارت خارجه گوش میکردم ، با خود اندیشیدم که چرا تا کنون وزارت خارجه و کسانیکه مسئولیت دفاع از موجودیت و حقوق ملی و شرف و حیثیت ملت ایران را به عهده دارند تا کنون از همان مسائل و واقعاتی که معاون وزارت خارجه سخن بیان آورد ، نکته‌ای وانگدی نیز بر ملت ایران بیان نداشتند .

**معاون وزارت خارجه اعلام داشت که حکومت عراق همچنان تجاوزات و حق کثیفی را که بقایای استعمار است و علیه ملت ایران از روزگار استقرار استعمار در این سامان اعمال میشد ، دنبال میکند و بدین کیفیت ، حکومت عراق علیه ملت ایران در آن راهی به پیش میرود که استعمار طراح و ارائه کننده آن است .**

معاون وزارت خارجه اعلام داشت که دولت ایران سالهای متعددی است برابر این همه تجاوزات و آشکار دولت عراق نسبت به حقوق ملت ایران چه در اروندرود و چه در دیگر نقاط با حکومت عراق مذاکرات دوستانه و تسوام با مامشات و بردباری میکند ولی هرگز حکومت عراق نخواست است حقوق ملت ایران را محترم بشمارد و اختلافات را در زمینه اساسی خود بر طرف سازد .

بنظر من ، سخنان معاون وزارت خارجه از طرفی جالب و شایان توجه بود - سخنانی بود از نظر عرف وزارت خارجه ایران نووغیر ما نوس - سخنانی که تا اندازه‌ای تطبیق با آرمانهای ملی ما و احساسات و عواطف میهن پرستانه هر - ایران پرستی داشت .

ایشان معاون وزارت خارجه با صراحتی بیشتر و یا بایراده بوشی کمتر قسمتی از حقوق تاراج شده ملت ایران اشاره نمود و بیان داشت که استمرار تجاوز باین قسمت از حقوق ملت ایران آثار و بقایای استعمار است که همچنان از طرف حکومت عراق از آن تبعیت و پیروی میشود .

اما - این سخنان از سوئی دیگر غم انگیز بود - بقیه در صفحه ۴

# نگار و خون

## مباحث ناسیونالیسم کلین پاسخ به آدمیزاد (۱۹) شما و فتودال های غار تگر

شما آدمیزادها ! نشان دادید که اگر یکی از این فتودالها در صف شما قرار گیرد ، شما حاضرید که خون هزاران زن و کودک و پیر و جوان عشایر ایران را بر آنان حلال کنید و از گناهان کبیره آنان چشم پوشید

استعمارگر در طی این دو قرن  
بقیه در صفحه ۳

میاوریم ؛  
در دو قرن اخیر از طرفی پیشرفت های فنی و سازمانی ملت های استعمارگر غربی و از طرفی عقب ماندگیها و نابسامانیهای داخلی ملت ما را بافتی بزرگ مقابل ساخت و این فترت سبب گشت که شیرازه وحدت ملی ما ست و گسیخته گردد . نیرو های

حال اگر این اصل کلی را با خصوصیات جغرافیائی و تاریخی هر ملت تطبیق دهیم بخواهیم یافت که چگونه موجودیت هر ملت در معرض خطرات دائمی است و بحکم وجود این خطرات دائمی دفاع همیشگی ضرورت دارد . و ما این بررسی را اجمالا در مورد ملت ایران بعمل

سخن روز آئیر

پیرامون لایحه کار تمام وقت هیئت آموزشی دانشگاه

### مراتب باشید - لایحه را مثلث نکنند !

هر قانونی در حکم وسیله ای است که بکمک آن باید به هدف منظور خاصی رسید . این هدفها بقیه در صفحه ۳

لایحه استخدام هیئت آموزشی دانشگاه یا لایحه استخدام تمام وقت در کمیسیون های مربوطه مجلس شورای مورد بررسی قرار گرفته است و به همین مناسبت لازم دانستیم که با نمایندگان مجلس شورای ملی و مقامات مسئول در این باره چند کلمه ای صحبت کنیم .

از : آرماد

# حقیقت اندیشه انتر ناسیو نالیسم شکار انسانها !

در تاریخ خرید و فروش و تجارت « برده » مرحله ای خاص پیش آمد . .

بشدت دنبال میکردند و تا آنجا که قدرت آتش و نیروی ادامه رگبار کلوله را داشتند ، مردم بومی کلوله را داشتند ، مردم بومی

ماشین قتال استعمارگران در مستعمرات جدید نیازمند به بردگان بسیار بود - طبق محاسباتی که صورت گرفته است در آمریکای لاتین هر روز متجاوزان از سی هزار نفر مردم بومی از این مناطق و بایر بردگانی که از گوشه و کنار بوسیله سوداگران بازار تجارت برده به این مستعمرات جدید اروپا بیاورید تا باین گسیل میگرددند معدوم میشدند . این گروه کثیر انسانها ، اگر از مردم بومی مستعمرات بودند غالباً برابری یورش های سبانه مهاجران اروپائی و رگبار گلوله های آنان از پای در میآمدند ، استعمارگران بر نامه « پاک ساختن مستعمرات را از مردم بومی » !

هواداران « خاک و خون » اعلام میکنند :

### متجاوز را بکوبید و حقوق ملت ایران را اعاده دهید

نامه ها و تلگرافات بسیار از هواداران ایران پرست خاک و خون نسبت با اعتراض به تجاوز بمرزهای ایران و لزوم کوشش برای اعاده حقوق ملت ایران به « خاک و خون » رسیده است که اکنون بدرج پاره ای از آنها مبادرت میگردد

بعدا از تجاوز دولت عراق بنوار مرزی ایران از سوی

از : دکتر هوشنگ طالع

# صنایع فولاد

چهره درخشان ایران صنعتی فردا

اکنون که مذاکرات مربوط با ایجاد صنایع ذوب آهن آخرین مراحل خود را می پیماید ، نزدیک بیک قرن از اولین کوشش ملت ایران برای دست یافتن بصنایع ذوب آهن میگردد . اولین تلاش ملت ما برای نیل با استقلال اقتصادی در نتیجه توطئه مشترک امپریالیسم شمالی و جنوبی در هم کوبیده شد و بقایای ساختمانهای آن در ائ گذشت زمان بنیستی گزاید . دومین کوشش اساسی ملت ما راهجوم نیروهای استعماری در صبحگاه سوم شهریور بی نتیجه گذاشت . در این مدت استعمار تمام کوشش خود را در این کشور برای جلوگیری از ایجاد صنایع ذوب آهن بکار برد . زمانی با تهدید و ترور ، زمانی با هجوم و یورش و زمانی دیگر با حاکم کردن عوامل

بقیه در صفحه ۴

# سیاست ملی

هیچ کس نمیتواند سخن از سیاست ملی ایران بپیان آورد در حالیکه عقیده بر همگامی یکپارچگی ملت ایران و همه تیره های نژادی و فرهنگی وابسته بدان نداشته باشد . متاسفانه سازمانهای حاکمه کانونهای آموزشی در همه مراحل احزاب و مطبوعات ملی یکقرن اخیر هرگز دقیقاً در بطن سیاست ملی ایران قرار نداشتند ، زیرا موجودیت ملت ایران و نظم شاهنشاهی ایران زمین با آن مفهوم اساسی و عمیقش ، روشنگر کوششها و تلاش آنان نبوده است .

رستاخیز عظیم ما بدین منظور است که موجودیت ملت ایران را آنطور که هست و با آن عظمت و قدرت و گسترش تاریخی و اجتماعی مورد شناسائی و اتکاء قرار دهیم و سیاست ملی را که راه حفظ این موجودیت عظیم و روش اعاده حقوق وابسته باین ملت است ، محور همه کوششها و تمهیدات اجتماعی قرار دهیم .

هنگامیکه سیاست ملی باین تعبیر راهنمای همه سازمان های وابسته بملت ایران شد زمانیکه سیاست ملی جایگزین سیاست بی هدف و بدون آرمان سازمانهای حاکمه گردید هر کس در مییابد که از چه طریق بسوی آرمان های تاریخی ملی خود حرکت کند . نهضت تاریخی و حزب برآمدی که درفش آن در دست های توانای مبارزان ایران زمین است سیاست ملی ایران را ملاک سنجش ها و ادواریهای خود قرار داده است .

## پیرامون سپردن ده دبیرستان دولتی ب مردم انتقاد بر طرح وزارت آموزش و پرورش

از : دکتر عاملی تهرانی  
در شماره گذشته نظریات مثبت خود را پیرامون این امر ذکر کردیم ، اکنون با توجه بدان اصول با نقاد درباره طرح آموزش و پرورش میپردازیم

در واقع نظام آموزشی ایران سبب ضعف آشکاری که در قسمت تعلیمات حرفه ای دارد نظام ناقصی است و ظرفیت مراحل مختلف تحصیلی با هم تطبیق ندارد بهمین دلیل است که هر ساله در حدود هجده هزار نفر از دیپلمه ها سرگردان میشوند و سرگردانی فارغ التحصیلان دبستان که بمرحله بالاتر راه نیافته اند بچشم نمایا و گرنه از لحاظ تعداد بمرحله دیپلمه ها پیشی دارد . بنا بر این همانطور که اگر دولت همه اعتبار خود را مصروف دوران متوسطه نماید و فکری برای مرحله تعلیمات عالییه هنرستانها و آموزشگاهها ننماید صرف پول و بودجه در قسمت متوسطه منجر به سرگردانی تعداد بیشتری از دیپلمه ها خواهد شد ، بهمین ترتیب اگر همه اعتبارات خود را در قسمت ابتدائی صرف کند و تعلیمات مراحل بالاتر را از مد نظر دور دارد و در صد هم آهنگی مرحله ابتدائی با مراحل بعد بر نیاید تنها بمشکلات فارغ التحصیلان این مرحله خواهد افزود

مرحله ابتدائی کرد و تحصیلات متوسطه را ببخش خصوصی سپرد . از سالها پیش که برنامه اول درجریان بود ببعد کرا را این نظریه در قسمت فرهنگی برنامه ها منعکس گشته است . اولین انتقادیکه بر این نظر وارد است آنست که تقسیمات مراحل تحصیلی در ایران خود بر پایه صحیحی استوار نیست و

گفتیم که این طرحان فرمول سپردن کار مردم بدست مردم را هدف تلقی کرده اند و مدتی است هم خود را مصروف آن ساخته اند که این هدف را تحقق بخشند ، از طرفی نیز مدتها است که برنامه نویسان سازمان برنامه این تزا ازموتون انگلیسی بفارسی ترجمه کرده اند که باید اعتبارات فرهنگی را بطور عمده صرف



### بار مشکلات سیاسی جهانی در سال ۱۹۶۵ سال ۱۹۶۶ - خدایا ! بار اینهمه مشکلات را چگونه تحمل کنیم؟

از : دکتر عباس روحبخش

## تفسیر سیکر تاده سال - تا بیست سال ...

### پاسخ هوشی مینه به کوشش صلح امریکا

مدت دروینتام جنوبی و قطع بمباران ویتنام شمالی توسط هواپیماهای امریکائی بود که هنوز هم ادامه دارد ، آتش بس ۳۰ ساعته گرچه بسیار زود گذشت ولی طعم صلح و آرامش را بکسانی که از جنگ های چندین ساله ویتنام بتنگ آمده اند چشاند و قطع بمباران شمال اعصاب فرسوده مردمی را که پیوسته در اضطراب و انتظار جهانگیر شدن جنگ هند و چین بسر میبرند آرامشی لذتبخش بخشید و بدینال این امیدهای شیرین تلاش پرسرو صدای امریکا برای آغاز مذاکرات صلح در ویتنام شروع شد گرچه از سوی مقامات امریکائی کوشش بسیار صورت گرفت که این مذاکرات در پشت پرده صورت گیرد ولی از آنجائی که مطلب بسیار شورانگیز و مورد توجه مردم جهان میباشد ، خبر نگاران خبر گزارها قدم ب قدم هیئتها و نمایندگان امریکارا در پایتخت

سال جدید مسیحی با امید - هائی در ویتنام آغاز گشت که آن امیدها نتیجه آتش بس کوتاه

از : تماشاگر

## صحنه آخری که صحنه اول شد - یاد تماشاچی سابق بخیر که دلش از دست آقای سردبیر خون بود و اعتراضش برعش رسیده بود .

و یکبار به مطلب را ( آنهم فقط مطلبی را که تماشاچی نوشته است ) قطع میکنند تماشاگری شماره گذشته نیز دچار این سانوسر آقای سردبیر گردید و صحنه آخر آن مورد بی مهری واقع شد ، تماشاگری نیز از موقعیت استفاده کرد و صحنه آخر تماشاگری این شماره قرار داد « تا دیگر آقای سردبیر هر چه میخواهد بروزگار « صد گونه تماشا » در نیارود . در یکی از روزنامه های شهرستانها ، ستونی ویژه مسائل بهداشتی پیش بینی شده است ، اما معلوم نیست چرا همکار ارجمند ما بجای آنکه آرم مخصوص این سؤال را طوری انتخاب کند که نشان زندگی و حیات و نیرومندی باشد آن را نمودار رعه و نیز مرگ و حتی متلاشی شدن جسد انسانی انتخاب نموده ، ما امیدواریم این علامت را تغییر دهند ، اکنون شما را به تماشا « آرم » ، ستون بهداشت مورد بحث میبرم .

بقیه در صفحه ۳

## صحنه آخری که صحنه اول شد - یاد تماشاچی سابق بخیر که دلش از دست آقای سردبیر خون بود و اعتراضش برعش رسیده بود .

بقیه در صفحه ۴



# مشق زبیر اشکر

از: احمد سمعی  
بمردم بگوئید  
مسئول کیست؟!

شخصی برای کاری شهری رفت و دو سال در آنجا ماند و در آن مدت وام بسیاری برای او فراهم آمد، هر روز از طلبکاران شکایت میرسید ولی قاضی شهر چون با او سابقه آشنائی داشت از تعقیب موضوع خودداری میکرد تا آنکه طلبکارها بفریاد آمدند و با شکایت نمودند، حاکم بقاضی امر کرد که بان مراجعه رسیدگی نموده حکم دهد. قاضی دوست بدشکار خود را طلبید و بدو گفت: فردا طلبکاران ترا به محکمه خواهند خواست، آنچه بر تو ادعا کنند قبول کن، آنوقت بتو خواهم گفت، باید حقوق طلبکاران را بپردازد و الا حکم به زندان خواهد داد در پاسخ بگو که مرا مهلت دهید که خانه و باغ خود را بفروشم اگر گفته تو خانه و باغ نداری بگو پس دکان خود را بخواهم فروخت، بدستور قاضی روز موعود آن شخص و طلبکاران به محکمه حاضر شدند، قاضی رو بدهکار کرده و گفت: آیا نومدیون این اشخاص هستی؟

گفت: آری. قاضی گفت: پس بتولزم است که آنچه از تو طلب دارند بدهی والا مجازات خواهی شد! بدهکار گفت: از مقام قضاوت استدعا دارم که مرا مهلت دهد تا خانه و باغ خود را بفروشم، طلبکاران گفتند تو خانه و باغ نداری! گفت: پس دکان خود را بخواهم فروخت، گفتند: دکان هم نداری! بعد از این گفتگو قاضی رو به طلبکاران کرده و گفت: شما خودتان میکویید که این شخص هیچ ندارد، پس چگونه از او این اموالیکه ادعا میکنید بر او میسازیم؟ امس گفت: مگر نشنیده اید که گفته اند: امفلس فی امان الله...

این یک حکایت است که معلوم نیست واقعتی داشته باشد ولی نظیر آن بصورت واقعی در همین تهران اتفاق افتاده و با کمال تاسف بدهکار قضیه «یک سازمان دولتی است» چند سال قبل که مسأله رهبری جوانان مطرح شده بود و دستگاههای مختلف مملکت برای این موضوع سر و دست میکشیدند بالاخره سازمانی بنام «شورای عالی هدایت جوانان ایران» تشکیل شد و شخصی راه مسئول آن گذاشتند و بعد تصمیم گرفتند سازمانی بنام «سندوق تعاون جوانان» ایران در کنار آن ایجاد کنند تا قبوضی چاپ و منتشر نماید و بعد از محل سرمایه جمع آوری شده به جوانانی که احتیاج به پول برای کار داشته باشند وام طولی مدت بدهند، این قبوض را چاپ کردند و در محل بانک ملسی ایران بمعرض فروش گذاشتند مردم از همه جا بیخبر هم به اطمینان بانک ملی ایران و اینکه یک سازمان دولتی در این موضوع دخالت مستقیم دارد شروع بخردن این اوراق نمودند، و نزدیک به دو هزار یا بیشتر از این قبضها که هر یک در مقابل یک هزار ریال بمردم فروخته میشد بین کسانی که فرزند داشتند و بفک آئینده آنها بودند بفروش رفت. این قبضها پس از چند سال هیچ سازمانی نیست که بخردار آن این قبوض بگوید بالاخره تکلیف پول شما چه شده و این قبوض بچه کار خواهد خورد.

هم اکنون یکی از این قبضها روی میز من است که از سری الف و شماره آن ۵۰۲ میباشد در این قبض که نوشته شده: شورای عالی هدایت جوانان، و بعد در زیر آن مرقوم رفته سندوق تعاون جوانان ایران، در مقابل یک هزار ریال و بعد دو امضاء وجود دارد یکی هیئت مدیره و دیگری خزانه دار که هیچوجه معلوم نیست کسانی که

## هفدهمین سال نوای ملت

اخیراً روزنامه روزانه نوای ملت که باسبکی خاص در اهواز چاپ و منتشر میشود آغاز شده است، نوای ملت در آستانه سال هفدهم و با انتشار دوازدهمین شماره خود، بسوی تحول تازه ای گام برداشته که کاملاً محسوس است، این موفقیت را با آقای طباطبائی صاحب امتیاز و مدیر نوای ملت و آقای امیر هوشنگ حمیدی سردبیر جدید روزنامه که از روزنامه نگاران پرسابقه و صاحب فکر هستند تبریک میکنیم.

## آگهی مزایده

موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران چهار دستگاه جیبی استیشن موجود در پارک کینگ وزارت اقتصاد را از طریق مزایده بفروش میرساند داوطلبان میتوانند همه روزها باستثنای ایام تعطیل در ساعت اداری به کارپرداز موسسه واقع در خیابان کاخ وزارت صنایع و معادن مراجعه و برگ شرایط مزایده را دریافت و پیشنهاد خود را تا آخر وقت اداری روز دوشنبه بیستم دیماه ۴۴ بدفتر موسسه تسلیم نمایند.

موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران  
م-الف ۶۹۷۲ ۲-۱ ۱۶۷-آ

### آگهی احضار

باشخاص مجهول المکان زیر اعلام میشود که هر یک با اتهام منتهیه تحت تعقیب دادرسی تهران واقع و پرونده آنان در شعبه ۳۲ جنحه تهران تحت رسیدگی است مقتضی است ظرف مدت سه ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی که سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی و روزنامه محلی درج میشود خود را بدادگاه مزبور معرفی نمایند والا غیاباً رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد شد چنانچه نیازی با آگهی مجدد باشد فقط یک نوبت و مدت آن ده روز خواهد بود.

پرونده کلاسه ۱۱/۵۷۰-۴۴ جلیل جمشیدی فرزند اله وردی و کریم اله فرزند رضا شهرت امیری با اتهام ایراد ضرب حین انجام وظیفه بمأمور دولت

رئیس شعبه اول دادگاه شهرستان بابل - اقتصادی  
م-الف ۶۹۹۷ ۳-۳

این امضاء هارا نموده اند دارای چه سمتی در تشکیلات مملکتی بوده اند، و روی چه اصلی و با توجه بکدام قانون و یا مقررات بصورت این قبضها مبادرت ورزیده اند و امروز باسبک گوی مردم چه کسی باید باشد؟ و از همه مهمتر بوالهائیکه دریافت شده بچه مصرف رسیده و تکلیف کسانی که پول پرداخته اند چیست؟ خسانی که این قبض را بمن ارائه داد میکویند در این مدت به تمام مراجع مختلف مملکت مراجعه کرده ام لکن هیچکس بمن پاسخ مثبتی نداده، امروز نزد شما آمده ام به پرسش تکلیف پولی که من داده ام چه میشود؟ آیا در این کشور هر کسی حق دارد بپایند و بمنابین مختلف و آنهم در تحت لوای دولت و با اطمینانیکه مردم به بانک ملی دارند از آنها پول بگیرند و بمدهم ورق پاره ای بدست آنها بدهند، چون پهر کجا که مراجعه نموده ام میکویند، بما مربوط نیست، آن مسئولین از کار بر کنار شده اند! پس تکلیف کسانی که قرض خود را فروخته و بخاطر آئینده فرزندان شان پول به سندوق تعاون جوانان داده اند چه میشود؟!

در اینجما از مقامات مسئول میخواهم که دستور صریحی در اینمورد صادر نمایند و وضع کسانی را که از این بابت پولی پرداخته اند روشن کنند! بعدهم اعلام نمایند این پولها تا کتون در اختیار چه مقاماتی بوده و چه استفاده ای از این بابت شده و در صورتیکه تخلفی شده کسانی را که سوء استفاده نموده اند بجامعه معرفی نمایند، اگر هم فرادست بکویند، امفلس- فی امان الله- زودتر تکلیف مردم را روشن نمایند، اینک هر روز بنحوی مردم را بوعده و وعیدهای بیجاسر کرم کنند، مادرا انتظار رسیدگی فوری نسبت بدین امر هستیم.

# دانشگاه پهلوی

## آگهی ثبت نام برای مسابقه ورودی سال تحصیلی ۱۳۴۵-۴۶

۵- درخواست تکمیل وامضاعده زیر دیپلمه ها و دانش آموزان ریاضی فقط میتوانند در امتحان رشته ریاضی و دیپلمه ها و دانش آموزان و دیپلمه های ادبی فقط میتوانند در امتحان رشته ادبی شرکت کنند.

از همه داوطلبان امتحان هوش و زبان فارسی و زبان انگلیسی بعمل خواهد آمد امتحان اختصاصی رشته طبیعی عبارت است از فیزیک شیمی طبیعی و ریاضی در حدود برنامه طبیعی - امتحان اختصاصی رشته ریاضی عبارت است از فیزیک - شیمی و ریاضی - امتحان اختصاصی رشته ادبی عبارت است از ادبیات - تاریخ و جغرافیا - عربی و فلسفه و منطق.

قابل توجه: دانش آموزان سال ششم دبیرستانها که در مسابقه ورودی دانشگاه پهلوی قبول شوند در صورتی میتوانند در دانشگاه ثبت نام کنند که در امتحانات نهائی خرداد ۱۳۴۵ موفق شوند وجه حق الثبت و مدارک داوطلب در صورت شرکت نکردن در امتحان یا قبول نشدن در آن بهیچوجه مسترد نمیشود. بنا بر این از داوطلبان تقاضا میشود از فرستادن اصل مدارک خودداری کنند داوطلبان فقط میتوانند در حوزه امتحانی که درخواست کرده اند شرکت کنند و بعداً نمیتوانند حوزه امتحانی خود را تغییر دهند مدارک ناقص هیچگونه ترتیبی داده نخواهد شد.

تاریخ توزیع کارت شرکت در امتحان روزهای پنجشنبه و شنبه فروردین در تهران و شیراز خواهد بود.

تاریخ امتحان ورودی ساعت ۸ صبح روزهای هفتم و هشتم فروردین در تهران و شیراز خواهد بود

دانشگاه پهلوی برای سال تحصیلی ۴۶-۴۵ از طریق مسابقه ورودی دانشجویان پذیرد. مسابقه ورودی در دوماه کمر شیراز و تهران بعمل خواهد آمد. رشته های تخصصی دانشگاه پهلوی عبارتست از:

- ۱- زبان و ادبیات فارسی ۲- زبان و ادبیات انگلیسی
- ۳- تاریخ ۴- فیزیک ۵- شیمی ۶- ریاضی ۷- زیست شناسی (بیولوژی)
- ۸- روانشناسی ۹- اقتصاد ۱۰- مهندسی ۱۱- کشاورزی ۱۲- پزشکی.

دیپلمه های ریاضی و طبیعی می توانند برای ورود به هر یک از رشته های فوق داوطلب شوند. دیپلمه های ادبی فقط میتوانند برای ورود رشته های زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی و تاریخ داوطلب شوند. داوطلبان برای ثبت نام باید مدارک زیر را بایست سفارشی بدارند کل پذیرش دانشگاه پهلوی شیراز ارسال دارند و مدارک باید منتهی تا تاریخ پانزدهم بهمن ماه ۱۳۴۵ به اداره پست داده شده باشد

۱- رونوشت مصدق (یا فتوکپی) گواهینامه دوره کامل دبیرستان در یکی از رشته های ریاضی - طبیعی - ادبی یا گواهینامه دبیرستان مبنی بر اینکه فلاندر سال ششم (با ذکر رشته) مشغول تحصیلند

۲- یک نسخه رونوشت مصدق شناسنامه

۳- سه قطعه عکس ۶×۴ که اسم داوطلب پشت همه آنها نوشته شده باشد

۴- فیش بانک بمبلغ هشتصد ریال که بحساب شماره ۲۵۱۶۸۰ بانک ملی ایران در یکی از شعب بانک ملی پرداخت شده باشد.

تاریخ امتحان ورودی ساعت ۸ صبح روزهای هفتم و هشتم فروردین در تهران و شیراز خواهد بود

# دانشگاه پهلوی

## برگ درخواست شرکت در مسابقه ورودی سال تحصیلی ۴۶-۴۵

اینجانب (نام خانوادگی) ..... نام ..... فرزند .....  
شماره سال ..... دارنده شناسنامه .....  
الف - دارنده گواهینامه دبیرستان در رشته ..... سال ..... از دبیرستان .....  
ب - دانش آموز سال ششم دبیرستان در رشته ..... در دبیرستان .....  
(نقطه بگی از شراکات الف یا ب گم بشمار بوط میشود جواب بدهید)  
و اذ ظلم در مسابقه ورودی دانشگاه پهلوی ثبت نام کنم بضمیمه مدارک زیر امضا کنم:  
۱- رونوشت مصدق (یا فتوکپی) گواهینامه دبیرستان یا گواهینامه اشتغال تحصیل در سال ششم دبیرستان  
۲- سه قطعه عکس ۶×۴ رونوشت شناسنامه  
۳- فیش بانک .....  
شهرت ..... (تیس کسبید شیراز ایران) شرکت کنم  
نشانی کامل من این است: .....  
(لطفاً خوانا و درست بنویسید) تاریخ ..... محل امضاء .....  
این برگ و مدارک را بایست سفارشی منتهی تا تاریخ ۱۵ بهمن ۴۴ به نشانی اداره کل پذیرش دانشگاه پهلوی شیراز بفرستید

نمایندگان خاک و خون در شهرستانها  
گچساران - آقای حافظ کھوایی  
آشتیان - آقای هاشم البرز  
هفتکل - آقای رضاعدی  
املش - ایرج کریم پور  
مها باد - نمایندگی کیهان آقای قادر معروف زاده  
کرمان - آقای ماسم جهانگیر  
بم - آقای صالحی - خبرنگار روزنامه کیهان  
زنجان - آقای واهی  
اهواز - خیابان پهلوی پاساژ عیاری - آقای حسین عطوان  
بوشهر - آقای محمد جمالی

در کمترین زمان، براق ترین و اکس،  
نازلترین قیمت  
سوپر واکس  
واکس مایع بدون واکس و برس زدن  
نماینده انحصاری خوزستان - اهواز - پاساژ عیاری طبقه دوم  
عمده فروشی جنوب  
دوزندگی مایاک گریه می  
برای هر نوع لباس مردانه آماده است  
نشانی - اهواز - خیابان زاهدی

چاپ بورس

مدیر دفتر شعبه ۴ دادگاه  
شهرستان تهران - سینا  
۳-۳  
۶۹۹۱۶ الف

## مر اقب باشید - لایحه رامثله نکنند!

و منظورها است که بعنوان روح قانون بدان اشاره میشود . قانون گذار در هنگام وضع قانون باین روح باید توجه داشته باشد و کاری کند که قانون بتواند وسیله مؤثری برای تحقق آرمانها و آمالی باشد که بخاطر آن وضع گشته است . در تاریخ قانونگذاری ما بیسابقه نیست که قانونگذاران ویا مجریان قانون درحقیقت مخالف وضع و اجرای آن قانون باشند ولی بعلی ناگزیر از حفظ صورت ظاهر گشته و اجمالا بگذرانند قانون رضاداده باشند. در اینصورت آن عده از عناصر وابسته بقوه مقننه که باطناً مخالف هستند سعی میکنند با قراردادن ماده یا تبصره خاصی اجرای قانون را عملاً تملیق بمجال نمایند ، چنانکه **دمورد اصلاحات ارضی چون مجلس نوزدهم از عناصر عقب مانده و ابادی مالکان بزرگ تشکیل شده بود بصورت ظاهر قانوناً تصویب گردید ولی باقراردادن مواد و تبصره هائیکه نقشه برداری از اراضی و اشکالات دیگر راعرضه میکرد عملاً از اجرای آن جلوگیری نمودند** و سر انجام نیز این قانون هنگامی عملی گشت که تبصره نویسان دستشان از کار کوتاه شده بود .

پس از سنک اندازیهای قانونگذاران دروغین نوبت اشکال تراشی و کلاه سازی بمرجیان میرسد و این گروه درصددیر میآیند قوانینی را که مخالف مذاق، سلیقه و منافع آنهاست مثلث کنند و آنرا درجهت مخالف روح قانون اجرا کنند .

**لایحه استخدام تمام وقت نیز یکی از لایح دگرگون کننده و شکل دهنده نظام آموزشی و جامعه آینده میباشد هم اکنون در معرض خطرات بسیار است و حق آنست که همه مسئولان امور و نمایندگان مجلس بروح آن توجه کنند و بحمایت آن برخیزند .**

بد نیست اول بررسی کنیم که چرا موضوع ضرورت وضع قانون استخدام تمام وقت هیئت آموزشی دانشگاه اساساً عنوان شده است و چرا برای انجام تحولات عمیق در دانشگاه وضع و اجرای چنین قانونی لازم است ؟

کسانیکه طرز کار محیط آموزشی فعال دانشگاهی را در کشورهای خارج دیده اند و آنرا با آنچه در ایران میکنند مقایسه کرده اند متوجه گشته اند که بین ایندو طرز کار نتیجه حاصل از آن اختلاف فاحشی وجود دارد. یعنی اگر ارزش محیط های دانشگاهی کشورهای مثل آمریکا، سوئد و انگلیس از لحاظ نتیجه کار و استانداردهای آموزشی صیاد باشد از آن کشورها بزحمت در حدود چهار پنج است . وقتی در عمل این اختلاف دقت کرده اند به نخستین نکته اینکه برخورد نموده اند، این بوده است که در غالب محیطهای آنجا طرز خدمت بشکل تمام وقت است چون استادو دانشیار جز تدریس و آموزش وظیفه دیگری ندارند لذا تمام وقت خود را در محیط دانشگاه میگذرانند و ساعات بیشتری را صرف کار میکنند، با دانشجویان تماس بیشتری دارند، نگرانی کارهای خارج را ندارند، در نتیجه حاصل کار کیفیت کارشان بیشتر و بهتر است . این مقدمه نا تمام را دسته باشید تا بازم پیروان روح لایحه کار تمام وقت هیئت آموزشی دانشگاه و اصول و مواردی که ضرورت وضع این قانون را موجب شده است باید یکدیگر سخن گوئیم .

## حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم

برندگان بودند ، یادراثر کارهای شاق و طاقت فرسا از بی-میرفتند و یا در چنگال بیماریهای « سری و بخصوص ابتلاء با امراض مقاربتی ، که در نتیجه تجا و زو تعدی - استعمار - گران بدان مبتلا میشدند و هرگز ارباب و صاحب برده در صدمه و آوا معالجه بنده خود بر نمیآمد و یا بسبب عدم تکافوی تنذیه و نداشتن پوشاک و مسکن مناسب بکام مرگ فرو کشیده میشدند - مهمتر آنکه بردگان بسیار ، پس از چند سال کار مداوم و طاقت فرسا ، چون دیگر مناسب برای ادامه بیکاری نبودند و برده های جوان و پرکار میتوانست جای آنان را بگیرد از سوی صاحب بردگان به بوم دیگر دیده اند بنا بر این منابع پر برکت و زرخیز و کشتزارهای وسیع و بر حاصل مستعمرات هر لحظه حونهای تازه ای از بردگان را نیازمند بود .

بزودی سوداگران پیچده و سازمانهای وسیع استعمارگران که در قلب و بطن آنان سازمانهای تجارتي و مجری بریتانیا قرار داشت منبع سرشاری از بردگان را یافتند . این منبع جدید آنچنان برای استعمارگران فیاض و خلاق و زاینده بود که از آن پس سالان متمایزی سیل بردگان از این منبع پر فیاض به قاره آمریکا ستاده میشد و هر لحظه هزار ها عصر جوان و فعال برده بدخلت و ناهای معادن و پست - نه کشتزارها و درآیند جنگلیها فرستاده میشدند و با ریشه حیات و زندگی خود تار و پود نظام استعمارگران را محکم و نیرومند میساختند . چنین منبع فیاض و پابان ناپذیر برای سوداگران برده و برای تغذیه ماشین قتال استعمار « قاره سیاه» بود .

آفریقا این قاره سیاه بزودی نظر استعمارگران اروپایی را بخود معطوف داشت - قبل از آنکه قدرت های استعمارگر دیرین ، قاره سیاه را از قانونهای فعالیت و بردگان کارهای خارج دیده اند و آنرا با آنچه در ایران میکنند مقایسه کرده اند متوجه گشته اند که بین ایندو طرز کار نتیجه حاصل از آن اختلاف فاحشی وجود دارد. یعنی اگر ارزش محیط های دانشگاهی کشورهای مثل آمریکا، سوئد و انگلیس از لحاظ نتیجه کار و استانداردهای آموزشی صیاد باشد از آن کشورها بزحمت در حدود چهار پنج است . وقتی در عمل این اختلاف دقت کرده اند به نخستین نکته اینکه برخورد نموده اند، این بوده است که در غالب محیطهای آنجا طرز خدمت بشکل تمام وقت است چون استادو دانشیار جز تدریس و آموزش وظیفه دیگری ندارند لذا تمام وقت خود را در محیط دانشگاه میگذرانند و ساعات بیشتری را صرف کار میکنند، با دانشجویان تماس بیشتری دارند، نگرانی کارهای خارج را ندارند، در نتیجه حاصل کار کیفیت کارشان بیشتر و بهتر است . این مقدمه نا تمام را دسته باشید تا بازم پیروان روح لایحه کار تمام وقت هیئت آموزشی دانشگاه و اصول و مواردی که ضرورت وضع این قانون را موجب شده است باید یکدیگر سخن گوئیم .

## مباحث ناسیونالیسم ایران

هر زمان بنوعی ضربت های خود را به یکسملت ما فرود آوردند و آثار نفوذ خود را بشکل های گوناگون ظاهر ساختند گذشته از تجزیه قسمتهائی از میهن ما که در این سالهای فترت صورت گرفت و شرح آنرا در تاریخ سیاسی ایران در دو قرن اخیر باید یافت ، بیگانگان بوسیله پدید آوردن قانونهای نفوذ که شوم ترین نوع آن ، شرکت سابق نفت بود در شئون داخلی ما نیز دخلتها کردند . در مورد نحوه این دخلتها حق آنست که بررسیهای عمیق و دقیق صورت گیرد زیرا متأسفانه هنوز بررسی در این مورد از نظر تاریخی و علمی آنگونه که باید آغاز نشده است .

استعمارگران اصلی را که در ایران بعل پرداخته اند باید بدورده استعمارگران کهنه و استعمارگران نو تقسیم کرد . از میان استعمارگران کهنه ، دولت تزاری روس و دولت انگلیس شیوه عمل خود را بر این اصل استوار ساختند که مؤسسات اجتماعی عقب مانده ایران را که بطور طبیعی در شرف نابودی بودند در کف حمایت خود قراردادند و با تقویت این نهادهای اجتماعی که در مسیر ضعف و هنگام فترت تکوین یافته بودند با ایجاد مرکزیت و قدرت ملی مبارزه کنند . از این رهگذر بود که حکام خودکامه محلی ، خانها ، مالکان بزرگ ، سوداگران قاجاق و موقوفه خواران هر یک بنحوی خود را وابسته دولتها استعماری میداندستند و از جانب آنان پشتیبانی میشدند و با تکیه بیگانگان با حکومت ملی ستیزه میکردند و یا نفوذ خود را بر حکومت مرکز تحمیل مینمودند .

حدود چهل سال پیش ایران درست در شرایطی قرار داشت که حکومت مرکزی ضعیف ترین و ناتوانترین قدرت داخلی بشمار میرفت و غالباً نمایندگان این حکومت را در ایالات مختلف نمیدانستند و در هر یک از گزردنکشان محلی با تکیه اربابان بیکانه خود از قدرت بر خوردار بودند .

**حکومت خانها بر پست ترین نوع بهره کشی از انسان پایه گذاری شده بود ، خانها که بر عشاير ایران سلطه خود را تحمیل کرده بودند از حاصل دام پروری و زراعت آنان سهم ظالمانه ای دریافت میکردند و بعلاوه جمعی از اتباع خود را مجبور باعمال چپاولگری میساختند و از این بابت نیز حق السهمی دریافت میداشتند .**

مالکان بزرگ نیز دردهات بسیاری که در اختیار داشتند کشاورزان را بردهوار استعمار میکردند و آنها را از هر جهت و بویژه از لحاظ بهداشت و آموزش عمدا در مصیبت قرار میدادند . میسرند چنانچه این نهادهای عقب مانده هم آهنگ با پیشرفت جهان دگرگون نمیکشت و تغییر نمی یافت . سبب آن بود که استعمارگران با کسانیکه این چرخهای فساد را بگردش میآوردند ارتباط برقرار ساخته بودند و درازای خریدان و شرف آنان حق استعمار و بهره کشی از عشاير و دهقانان ایران را به آنان وا گذار کرده بودند . ولی سرانجام آنجا که ملت ما نباید ببرد و از آنجا که ناموس بقای ملت ما همچنان وساطتی برای بعل آوردن این نیروی نهفته بکار میبرد ، حکومت های خانخانی بتدریج از میان رفت و حکومت مرکزی قدرت خود را باز گرفت . میسریم که خانهای تجزیه طلب و خودکامه دست نشانده بیگانه چگونه و با چه نیروئی از میان رفتند .

**اینرا همه میدانند که بتدریج که ارتش ایران توانست پس از دوقرن فترت سازمانهای خود را از نو بوجود آورد و گسترش دهد ، بتدریج هم توانست بر نفوذ خودکامگان محلی و عناصر تجزیه طلب مسلط شود و اهمیت را در داخل استقرار بخشد .** پس ارتش ملی ، ما از هنگام پدید آمدن خود با وظیفه دشواری روبرو عهده داشت ، ارتش مجبور بود سالها کوشش خود را برای مبارزه با دست نشاندهگان استعمار سیاه بکار برد و عشاير غیور و زحمت کش ایران را از چنگال خانهای بیگانه پرست و نوکر صفت نجات دهد .

چقدر جای تأسف است که گاه در نشریات رفقا شما ای آدمیزاد میخوانیم که در نهایت کور بینی بعض از نوکران پلید استعمار را که تجزیر داتر عشاير ایران بوده اند مورد ستایش و تمجید قرار داده اند . چگونه میتوان از سیستم خان بازی در ایران دفاع کرد . از خانها نیکه حاصل زحمت عشاير ایران را بیگما میبرند . خانها نیکه بد نیال مقاصد تجزیه طلبانه خود عشاير غیور ایران را وادار بغارتگری میساختند و نان و شرف آنان را باز بچه سود - جوئی خود قرار میدادند .

براستی که اصل يك نام و دو هو ا چقدر در مورد شما صادق است . اگر بخواهیم ظالم ترین ، غاصب ترین ، مرتجع ترین موجودات را مجسم سازیم از روی کمال انصاف چنین موجودی خان های عشاير هستند اینها کسانی بودند که بدون هیچ مجوزی از حاصل همه کوششهای عشاير حق السهم غیر عادلانه دریافت میکردند . هرگز فکری برای آسودگی اتباع خود نکردند . هرگز بتشکیل يك مدرسه و يك درمانگاه اقدام نمودند . چگونه ممکن است از چنین موسسه اجتماعی عقب مانده ای که اساس آن بر ظلم ، جور و بهره کشی انسان از انسان استوار است دفاع کرد ولی شما آدمیزادها نشان دادید که اگر یکی از اینها در صفا شما باشد حاضر بد که خون هزاران و کودك و جوان عشاير ایران را بر آنان حلال کنید و از معاصی کبیره آنان چشم پبوشید ، صفا بخاطر اینکه در صفا شما قرار گرفته است . متأسفانه انگشت چند تن از این خانها که همه یاخته های بدن آنها از ینما چپاول و استعمار افراد عشاير ایران ساخته شده است در میان دستهای گرداننده شما دیده میشود و ستایش و تمجید از اینگونه تجزیه طلبان و مرتجعین در میان نشریات شما کم نیست .

بهر حال خان بازی ، تجزیه طلبی ، مهین زدن به زبان فرد زحمتکش و شریف عشايری ، امور است که از نظر حفظ بقای ملت ایران و لزوم تحولات عمیق اجتماعی و سیر ناسیونالیسم ایران قابل تحمل نبوده و نیست .

در مقابل این عوامل خودکامه و مسلح که اساس ناامنی و نابسامانی را در گوشه و کنار ایران بیاداشته بودند چه قدرتی وجه نیروئی میتوانست مقابله کند ، جز يك آردش ملی ، منظم و نیرومند . نبرد ارتش با خود کامگان محلی برخلاف آنچه گمان میکنند حوادثی محلی و داخلی نبود ، بلکه جنگی بود از سوی نیروهای پیشرو و سازنده ملت ایران علیه ابادی استعمار ، نبردهائی بود که از تجزیه قسمتهای دیگری از خاک ایران جلوگیری و رزمی بود که استقرار يك نظم اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی نوین را پایه ریزی می کرد .

در نیم قرن اخیر که ارتش جدید ایران پایه گذاری گشتو توسعه یافت ، ابادی تجزیه طلب و کهنه پرست استعمار سیاه یکی پس از دیگری سرکوب شدند و انبوه مردم عشاير و دهقانان از چنگال آنان نجات یافتند .

## صد گونه تماشا

**صحنه دوم** - قبل از هر گونه بحثی این خبر را به نقل از یکی از روزنامه های بسیار مهم خبری عصر مطالعه نمائید تا بعد .

**پسر بچه ای تلفن مدیر مدرسه را زد دید !**

پسر بچه ۱۳ ساله ای عصر دیروز وارد مدرسه ای شد تا تلفن مدرسه را بزند !

این پسر بچه که بوسیله پلیس بکلانتری ۱۰ جلب شده است اسماعیل نام دارد .

اسماعیل در بازجویی گفت :

یکی از دوستانم مرا گول زد و بمن گفت اگر يك دستکاه تلفن برای او بپریم ۵۰ تومان بمن خواهد داد . من هم که ۱۸ تومان بيکی از دوستانم بدهکار بودم تصمیم گرفتم يك تلفن بپریم .

این تصمیم را با این علت گرفتم که مادرم بمن پول نمیداد .

با این منظود عصر دیروز وقتی که هوا تاریک شد و اردمدرسه ای که در مجاورت خانه ما واقع شده است رفته و خود را با اتاق مدیر مدرسه رسانیدم اما همینکه خواستم تلفن مدیر مدرسه را بردارم فزاش مدرسه سر رسید و مرا دنبال کرد و بدست پلیس داد .

پرونده این جوان توسط افسر نگهبان کلانتری ده تنظیم شد و اداره آگاهی ارسال گردید .

( البته در متن خبر نام خانوادگی اسماعیل هم ذکر شده بود که مادر این صحنه نام فامیل او را حذف کردیم ) خواننده گرامی تماشا کردید که پروزگار يك پسر بچه ۱۳ ساله چه میآوردند ؟

این قبیل حواث و وقایع از طرف پسر بچه ۱۳ ساله در همه جا رخ میدهد - در هیچ نظم اجتماعی با پسر بچه ۱۳ ساله باین ترتیب بمنزله يك دزد و سارق با سابقه رفتار نمیکند - آنها نسبت بسرقت ادعائی که صورت نگرفته است - میگویند و یا میگویند میخواستند تلفن مدرسه را سرقت کند که جناب فزاش ! سر رسید - بهر حال ، چنین فرضی که صورت نگرفت - پس چرا این آقای فزاش پسر بچه ۱۳ ساله را تسلیم پلیس کرد - بسیار خوب ، میگوئیم او فزاش است و بر اصول روانی و مبادی پرورش و دقایق احساس های انسانی آنچنان که باید و شاید آگاهی ندارد و میگوئیم این آقای افسر نگهبان که پسر بچه ۱۳ ساله را تحویل او داده اند بموجب مقررات ! ناچار بوده است پسر بچه را با پرونده با دارة آگاهی بفرستد و یا زهم میگوئیم متصدیان اداره آگاهی نیز طبق مقررات ! ناچار ندا اسماعیل سیزده ساله فلك زده را تسلیم زندان کنند و بدون آنکه بواقب چنین ظلم و ستمی که مقررات ! بر اسماعیل و امثال او روا میدارند او را به نخستین مکتب تجزی و دزدی و سرکشی فرستند - از همه این بحث ها میگذریم و حق را با جناب همه این مامورین دقیق و مطیع مقررات !

میدهیم اما ، جای بحث و سخن با این مخبرین و روزنامه نگاران است ، که آخر ، شما چرا نسبت بچنین موردی نام و فامیل این پسر بچه سیزده ساله را با حروف درشت در ستون روزنامه درج میکنید ؟ شما چرا داغ باطله دزدی را برای همیشه بر پیشانی اسماعیل ۱۳ ساله میکوبید ؟ شما چرا نا این اندازه نسبت بفرزندان بی گناه این اجتماع محبت و رأفت روان میدارید که برای همیشه عنوان « سارق » و « دزد » را با او اهدا میکنید ؟

آخر مگر اسماعیل ها مگر این بچه های بی پناه چه گناهی مرتکب شده اند که باید هر روز موضوع خبرهای جنجالی من و شما قرار گیرند ؟

اگر هم اسماعیل مرتکب سرقت شده بود بجا نبود که نام خانوادگی او را با ستون درشت و در زیر عنوان سارق در روزنامه خود درج کنید - او نیازمند به مراقبت و حمایت است و هم این است فلسفه ایجاد دادگاههای ویژه و دادرسیهای ویژه و مراقبت در دارالترتیب برای کودکان بزهکار - بخصوص که اسماعیل مرتکب سرقت هم نگردیده - میگویند میخواست تلفن را سرقت کند ولی فزاش سرسید و نگذارد ، پس آقای مخبر محترم چرا با حروف ... تلفن مدیر مدرسه را دزدید ... ! شما را بخندا بس است - همه سازمانها در این مملکت بفرزندان ما آینده آنها بی اعتنا هستند شاد دیگر با آینده و شرف فرزندی آنها بازی نکنید .

آخر مگر اسماعیل ها مگر این بچه های بی پناه چه گناهی مرتکب شده اند که باید هر روز موضوع خبرهای جنجالی من و شما قرار گیرند ؟

اگر هم اسماعیل مرتکب سرقت شده بود بجا نبود که نام خانوادگی او را با ستون درشت و در زیر عنوان سارق در روزنامه خود درج کنید - او نیازمند به مراقبت و حمایت است و هم این است فلسفه ایجاد دادگاههای ویژه و دادرسیهای ویژه و مراقبت در دارالترتیب برای کودکان بزهکار - بخصوص که اسماعیل مرتکب سرقت هم نگردیده - میگویند میخواست تلفن را سرقت کند ولی فزاش سرسید و نگذارد ، پس آقای مخبر محترم چرا با حروف ... تلفن مدیر مدرسه را دزدید ... ! شما را بخندا بس است - همه سازمانها در این مملکت بفرزندان ما آینده آنها بی اعتنا هستند شاد دیگر با آینده و شرف فرزندی آنها بازی نکنید .

صحنه سوم - مدتی است از سوی اداره کل روابط عمومی شهرداری تهران نشریه ای مخصوص منتشر میگردد - بگذاریم از اینکته نسبت باین نکته که هر روزارتخانه و اداره و موسسه ای دولتی برای خود ( اداره اطلاعات و روابط عمومی ) ویژه ای دارد که کارش تبلیغ برای آن اداره و وزیر و یارئیس و مدیر و متصدیان مربوط آن است ، امری است قابل توجه که بموقع خود در آن باره سخن خواهیم گفت - اما در نشریه شهرداری که در آن خبرهای ادارات و نواحی شهرداری ذکر گردیده است به يك شعار بخصوصی بر خورد می کنید که این شعار بالای گزارش های مربوط به اقدامات نواحی مختلف شهرداری گذارده اند که آن شعار این است :

**« شهرداری در خدمت مردم ! »** تماشاگر مدتی بود در باره این شعار با خود اندیشه میکرد که آخر مگر قرار است گزارش های شهرداری های نواحی نوشته اند - درست مثل این است که وزارت آموزش و پرورش و پرورش برای خود این شعار را انتخاب کند که : « وزارت آموزش و پرورش در راه ایجاد مدارس ! » هر چند اینطور ها این که معلوم است وزارت آموزش و پرورش باید مدارس لازم را بوجود آورد ! « هر چند اینطور ها هم نیست ! » - بهر حال ، اگر بین همه سازمانها و موسسات دولتی بخواهند ، تنها سازمانی را پیدا کنند که بمعنی اخص برای خدمت ب مردم شهر بوجود آمده ، همین شهرداری است حال زعمای شهرداری تاجه حسالان دراز باین وظیفه عمل نموده اند که در روزگار تحول ادعائی خود برای شهرداری شعار « شهرداری در خدمت مردم » را انتخاب کرده اند خود بحثی است دیگر که تماشاگران از آن غافل نیستند . اما در تماشا ای این نشریه به شعر بلند بالا ای ( بقول نشریه مزبور یکی از شعرا و سخنوران معاصر ) ؟ درج گردیده است که این آقای سخنور و شاعر معاصر تنها به ذکر ا - ح از نام خود اکتفا نموده - وقتی این شعرا از ابتدا تا انتها خوانند معلوم شد ، مردم بی بهره از شهرداری گله دارند و همه تقصیر های این روزگار متوجه آنها است - زیرا بقول این شاعر این نامی معاصر !

جوانی شیک جوی آب جوید  
واقفا چه جوان شیک و بد اخلاق ! ویا ،  
فلان مادر بود جویای جویی  
واقفا چه مادرهای ویدی !؟ خلاصه ، این شاعر بنام عصر و سخنگوی بی عدیل دهر ، راز ، همه کشفات شهر و نابسامانی شهرداری را درمی یابد و یکبار به برق حقیقت از سخنان گوهر بارش ! چهیدن میکند و میسراید ...

بدست مردمی عاری ز فرهنگ  
آنگاه که این سخنگوی توانا ! و این حقیقت جوی بی باک ! پرده های تزویر بسوئی ز دوزخهای دیرین بر شناخت و گناهکاران واقف را که همان خلق الله باشند معرفی نمود - سراغ آن بی گناهی می رود که سالان سال است ، همگان بی بهره از راه چاره مشکلات خود میجویند و او را صاحب اختیار و مسئول امور شهر میشناسند ، پس این شاعر توانا ! بدفاع از این مقام بی گناه و مظلوم بر میخیزد و دایهانه اینگونه میسراید :

**چو سحر آهنگد خلق از بچه تا پیر**  
تماشاگر عزیز - آیا جای افسوس بسیار نیست - بهنگامیکه متصدیان امر و سازمانهای مسئول و وظائف خود را انجام نمیدهند - به هیچ يك از وظائفي که بعهده آنان است توجه دقیق مبذول نمیدانند - آنگاه برای اعلام بی گناهی آنان باید مردم از بچه تا پیر مقرر و دراز فر هنگ باشند !؟ که چه خبر شده شاعر حیلگی آقای شهردار میخواهد در بولتن شهرداری از شهرداری دفاع کند !

به بازارهای تقاضا عرضه کنند ، خود عظیم ترین ثروت برای آنان بنظر آمد ، انسان میدانستند که بسادگی خواهند توانست « انسانهای سیاه » بچنگ آورند و آنان را از روی دریاها ب حرکت آورند و بدست استعمارگران در قاره آمریکا بسپزند و آنکاه در برابر این کالای بسیار مناسب که خریداران مشتاق و بسیار دار دارند زور سیم هر آنچه را که بخواهند بچنگ آورند . بدینسان گروه سوداگران برده - کمپانیهای بزرگ که کار عده آنان خرید و فروش برده بود - ما چارچوبیان و دزدان دریائی که چون گرگی گشته آنها و ساحلها را بزیر پا میکذارند غنیمتی بچنگ آورند و ثروتی

به بازارهای تقاضا عرضه کنند ، خود عظیم ترین ثروت برای آنان بنظر آمد ، انسان میدانستند که بسادگی خواهند توانست « انسانهای سیاه » بچنگ آورند و آنان را از روی دریاها ب حرکت آورند و بدست استعمارگران در قاره آمریکا بسپزند و آنکاه در برابر این کالای بسیار مناسب که خریداران مشتاق و بسیار دار دارند زور سیم هر آنچه را که بخواهند بچنگ آورند . بدینسان گروه سوداگران برده - کمپانیهای بزرگ که کار عده آنان خرید و فروش برده بود - ما چارچوبیان و دزدان دریائی که چون گرگی گشته آنها و ساحلها را بزیر پا میکذارند غنیمتی بچنگ آورند و ثروتی

شماره بخدا قسم  
بس است

نشریه شهرداری  
مردم متفرند !؟

## طرح نو درباره

## آموزش و پرورش ملی

از دکتر محمد رضاعلی تهرانی

دانشیار دانشگاه تهران

کتابی که مسأله آموزشی را از دیدگاه ناسیونالیسم مورد بحث قرار داده است . کتابیکه میتواند بمنای طرحهای آموزش و پرورش برای رفاه و سر بلندی ملت ما باشد . کتابیکه علت تلف شدن نیروهای انسانی را در دبیرستانها و دانشگاه تشریح می کند و پیشنهادهای ریشه دار و قابل اجرا عرضه میدارد .

این کتاب که مدتی نایاب بود اکنون در دست روزنامه فروشهاست .

بیاندوزند همه عزم قاره سیاه را کردند بسیار بسوی قاره سیاه ب حرکت نیروهای متجاوز و استعمارگر آمد - بچه منظور ؟  
با اکتاء بر سرمایه و قدرت آتش برای دشکاران ، ؟

# خاک و خون

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه  
دارنده امتیاز و مدیر  
محسن پز ششپور  
سر دبیر  
دکتر فضل اله صدر

یکشنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۴۴  
محل اداره میدان بهارستان تلفن-۳۲۱۸۹  
بهای آگهی: صفحه اول سطر ۵۰ ریال صفحه آخر  
سطر ۴۰ ریال صفحات داخل سطر ۳۰ ریال  
چاپخانه بورس ۳۳۹۷۱ - ۳۳۹۵۰ تک شماره ۳ ریال

## حکایت اخبار ایگان

● دانشکده کشاورزی رضایه که بفرمان شاهنشاهی آریامهر ایجاد شده است عصر دیروز گشایش یافت  
● ساعت پنج بعد از ظهر دیروز جلسه هیئت دولت در کاخ نخست وزیری تشکیل شد.  
● سمینار بخشداران استان آذربایجان شرقی دیروز در تبریز گشایش یافت.  
● هفته گذشته هفت پروانه اکتشاف برای بهره برداری از معادن شسوار واقع در استان مازندران صادر شد.

● **صدای پیش مرگهای کرد**  
حکومت عراق میخواهد کردستان جنوبی را با زور از کردان تپه سازد و اعراب را در سرزمینهای آنان مستقر سازد و بهمین منظور هزار خانوار « عرب شمار » را به استان کرکوک آورده و از آبادیهای ( پنجه علی - جیلپور - قازان بلاخ - ترجیل - ترکمان بالا - ترکمانک - زین ) در بخش قره حسن استان کرکوک ساکن کرده و کردان آریائی نژاد را تار و مار ساخته است.

● **سکنه آبادیهای (قلاعرب- عشمه - شاه نشین - غظنفر- قوقان - قوشقایه - یارولی - دارمان بزرگ - دارمان کوچک - هزار خانی )** و چندین آبادی دیگر توسط حکومت عراق از مناطق نفت خیز رانده شده و عربها را بجای آنها کوچانده اند.

● **بهردم اجحاف کنند و چندین برابر این پول را از آنها بگیرند.**  
اگر این پول را کافی نمیدانید و خیال دارید بقیه آنرا از بودجه عمومی بپردازید عمل شما را بر چه باید حمل کرد؟  
با این عمل نهم مردم تشویق به سرمایه گذاری شده اند و نه باری از دوش شما برداشته شده است و بهمین دلیل است که مامعتمد این عمل تنها از کسی سرمایه نند که سپردن کار مردم به مردم راه هدف اصلی بدانند و بخواهد بهر ترتیب هست ولو بزبان خود و برخلاف همه اصول اقتصادی ازدولت خلعید نماید و کار را بدست مردم بسپارد.

● **انتقاد بر طرح جالبی بچشم میخورد اگر طراحان با حساب دقیق دریافته اند که با این میزان حق تعلیم ممکن است چرخ دبیرستانی بگردش در آید بچه مناسبت اجازه میدهند که دبیرستانهای خصوصی کنونی متجاوز را بگوید**  
نموده و برای همیشه بجای خود بنشانند. «خاک و خون» پیش آهنگ پاسدار حقوق و منافع و مصالح ملت ایران از گزند تجاوزات بیگانه است. خاک و خون میکوشد تا ملت بزرگ خود را با آنچه که جهان پیرامون او میکند آگاه ساخته و راه زندگی سر بلند و سرفراز را با و باز گو کند.  
بدین سبب هر جا که خاک و خون راه میباید موجی از ناسیونالیسم و اعتقاد بپزیرگی ایران نمودار میشود و صفی از ایران پرستان را بگرد درفش پرافتخار خود بچراکت می آورد، بعید نیست که وقتی تجاوز بنوامرزی ایران میشود خوانندگان ایران پرست خاک و خون از دورترین نقاط کشور تلگراف، نامه و تومار میفرستند و آمادگی و از جان گذشتگی خود را برای مقابله هر گونه دشمن از هر سو و از هر رنگ و نژاد که باشد اعلام میدارند. خاک و خون میکوشد تا آنجا که مقدور است نامه ها و تلگرافها و تومارهاییکه فرستاده میشود متمسک نماید تا خوانندگان عزیز در جریان افکار عمومی هم میهنان خود، در این حادثه اسف مرتزی قرار گیرند.

● **آقای حافظ کھوایی از دو گنبدان طی تلگرافی اظهار میدارد:** «پوندگان راه «خاک و خون» در گجستان مراتب نفرت خود را از اعمال جنایت کارانه دولت عراق در غرب ایران اعلام و خواستار انتقام خون شهیدان اخیر می باشد. ما خواهان پستی بانی بدریغ و همه جانبه ملت و دولت ایران از مبارزات رزم آوران کرد می باشیم. ما از هم اکنون آمادگی خود را برای دفاع سرسختانه از مبارزه ای که یقیناً از سوی ملت ایران برای گرفتن انتقام از دشمنان ایران زمین آغاز میگردد اعلام و خاک و خون پرچم دار این مبارزه ایران پرستانه را می ستائیم.

● **نامه های بسیاری یکی رسیده است که بنوبت در شماره های دیگر مختصری از آن نامه ها برای خوانندگان بازگو میشود.**

● **اگر در امر سپردن کار مردم بدست مردم عجله دارید هر چه زودتر استا ندارد مدارس حرفه ای و مدارس مختوم بشغل را تعیین کنید و مردم در این جهت تشویق سرمایه گذاری نمایند. با ادامه این نظام آموزشی در سال آینده قریب سی هزار دیلمه سرگردان خواهید داشت طرجهائی برای ایجاد مراکز تولید آموزش و یاد خدمت و آموزش تهیه کنید و مردم را تشویق سرمایه گذاری در این باره نمائید تا هم چرخهای جدیدی در امر تولید و خدمت بگردش آید و هم مراکز جدیدی برای آموزش پدیدار گردد و قسمتی از دیلمه های سرگردان سالهای آینده را جذب نماید و گرنه با واگذار کردن ده دبیرستان پایتخت بدست مردم گروهی از مشکلات کشور خواهد شد و این طرح جزئی اعتبار ساختن وزارت آموزش آری دیگری نخواهد داشت.**

## بقیه سرمقاله

زیرا حداقل در مورد حقوق ملت ایران در اروندرود از تاریخ ۱۳۱۶ تا کنون برای نخستین بار وزارت خارجه اینگونه آشکارا از حق تضییع شده ملت ایران سخن بمیان آورده است.

● **چرا .. چرا تاکنون چنین سکوتی دهشتناک و چنین قصوری غیر قابل گذشت سازمانهای سیاسی و احقاق حق کنند** ملت ما را در خود گرفته بود؟

این همه قصور و تمعل و این همه تحمل تجاوز بحقوق ملت ایران که مرتکبین و مقصرین نام آنرا «مماشات» و «بردباری» و «مصلحت سنجی» و «سیاستمداری» گذاشته اند تنها در مورد اروندرود بچشم نمیخورد - تمامی حقوق ملت ایران که مورد تجاوز هرتمدی و خودکامه ای قرار گرفته است بدینسان تاکنون از سوی وزارت خارجه و دیگر سازمانهای مسئول نسبت بدان غرض عین گردیده است.

بدین مناسبت و بعلمت عدم توجه به حقوق ملت ایران و با آنچه وابسته بر زندگی و حیات ملت ما است، اغلب تصدیان امر و سازمانهای مسئول و حتی دیگر کوشندگان امور اجتماعی، تنها وظیفه دیلماسی ایران و سازمانهای اداره کننده روابط خارجی را جز این نمیدانند که باید با هر متجاوز و متعدی روابط حسنه داشته باشند و این روابط حسنه بهر قیمت که باشد باید برقرار شود و لوبقیمت از دست دادن حقوق ملی ایران.

چنین طرز فکری اساس سیاست خارجی سازمانهای حاکمه ایران بوده است - چنین طرز فکری است که هم اکنون نیز بسیاری از عواملی را که اندیشه و تفکر و گفتار و کردارشان ساخته و پرداخته نظام ضدملی دیرین است برانگیخته است تا باقی فهای ظاهر اصلاح، مدام دم از لزوم برقراری روابط حسنه مجدد با حکومت متجاوز عراق بزنند و در حالیکه بنا بگزارش مقامات مسئول وزارت خارجه این حکومت خودکامه سالها است بحقوق مسلم ملت ما تجاوز و تعدی نموده و طی یک هفته چندین بار بوسیله قوای مسلح و جنگنده های خود آسمان و مرزهای میهن ما را مورد تجاوز قرار داد بگویند: «... این دفعه عیبی ندارد...» و کار را بدینجا برسانند و انحطاط فکری را تا بدان مرحله بمنصه ظهور برسانند که مدافعین حقوق ملت خود و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران زمین را «... آتش بسیار مفرکه...» عنوان کنند.

چنین طرز فکری است که تاکنون نگذاشته است عناصر متجاوز بحقوق ملت ایران آماده گردند تا در پشت میز مذاکرات بنشینند و دست از تجاوز بحقوق ملت ایران بردارند زیرا بدنیال هر تجاوز و تعدی که بمرزها و آبها و ساحل های ایران صورت گرفت - بدنیال هر اقدامی توطئه آمیز که علیه موجودیت ملت ایران انجام شد - بدنیال هر یورش نابکارانه که بر شاخه های نژادی و فرهنگی ایران صورت گرفت، گردانندگان سیاست خارجی ایران که از همه خصوصیات قطعه به خاصیت نرزش و مماشات دلیستکی و توجه خاص داشتند و نیز دیگر عواملی که کوشش ها و دستگیرهای اجتماعی را در دست داشته و با چنین روشی انس و الفت دیرینه دارند، میکوشیدند که روابط را با حکومت متجاوز و قدرتی که ملت ما را قتل عام نموده و حقوق مردم این سرزمین را بتاراج برده است هر چه زودتر سخته کنند...

اما این روابط چگونه و بچه صورت و با چه قیمتی از حالت بحرانی خود خارج میگرددند و بزعم این طرفداران نرزش و مماشات تبدیل بروابط حسنه میگردد؟  
**تاریخ یک نفرن اخیر ایران پاسخ گوی غم انگیز این پرسش میباشد - اینان حقوق تضییع شده ملت ایران را نادیده میگردند - اینان دیدگان خود را می بستند و خنجر خون آلودی را که طر ف متجاوز هم چنان در دست گرفته بود ندیده می گناشتند - اینان گوش های خود را فرمی بستند و صدای دربار گلوله ها را که همچنان سینه فرزندان این ملت را آماج میگرفت نشنیده میگرفتند**  
اینان چنین پرشکوه برپا میکردند و با تجاوزی که در همان هنگام بر شاهنهای خونبار ملت ایران لگدمیکوبیدم آزدوستی و صفا و محبت میزدند.

● **آری آنان بهای بزرگی و عظمت و آزادی ملت خود، چنین روابط حسنه ای را میخریدند...!**

اگر کسی از این باب سخن میگفت، که آخر با متجاوزی که هم چنان حقوق ملت ایران را در جنگال تجاوز و تعدی خود گرفتار است و هر روابط حسنه ای میتوان داشت - اگر کسی میگفت که ملت ایران با کسی سردشمنی و ناسازگاری ندارد - اما با آن متجاوزی که دستهای او تار مرقق بخون فرزندان این سرزمین آلوده است نمیتوان یارگار و همخوار روزگار بود - اگر کسی میگفت بگذار دلیل دوستی متجاوز دیرین این نکته باشد که حقوق غارت شده ملت ایران را باز گرداند و با اصول و مبادی زندگی ملی ما احترام بگذارد - آنگاه این «مماشات کنندگان» و «مصلحت سنجان» و «رجال سرد و گرم چشیده» میگفتند که چنین کسی آتش بیار مفرکه است و دشمنی بطور فطری در دل او آوایشان گرفته -

● **نگاه جشنی برپا میساختند - نطقی بلیغ فراهم میکردند و یکبار دیگر روابط تیره شده را با سانی بر او بطی حسنه و روشن تبدیل میکردند -**

اساسی ترین مسئله این است که باید این طرز فکر مردم ایران و همه سازمانهای مسئول این مملکت را ترک گوید. وزیر وکیل - رئیس و مدیر کل - روزنامه نگار و سیاستمدار - خواص و عوام - همه باید بدانند که ملاک سنجی - روابط هر دولت و هر قدرتی با ملت ایران جز این نیست که آن دولت تا چه اندازه حقوق و موجودیت ملت ایران را محترم بشمارد.

تنها اتکاء بدین اصل است که میتواند ما را از چنین مذلتی نجات دهد که حکومتی چون حکومت عراق متعدی بحقوق ملت ما و متجاوز به نوار مرزی این سرزمین باشد. درباره این مهمترین مسئله سیاست ملی است که دگر بار سخن بمیان میآوریم.

محسن - پز ششپور

# نیز در آن خون که نریز و بر راه پاسداری لیز خاک

## حکایت اخبار جهان

● واحدهای لشکر اول سوار تمام امریکا خود را برای نبرد با ویت نام در مناطق کوهستانی مرکز ویتنام جنوبی آماده میکنند.

● سربازان این لشکر دیروز در حالیکه بره لکیو پترهای خود سوار بودند بر فراز روستاها پرواز میکردند با بلند گومیگفتند اسما را پیروز خواهند شد.

● پاپ اعظم دیروز به تلاش خود برای خاموش کردن آتش جنگ ویتنام ادامه داد و ضمن پیامهایی که برای سران شوروی، چین کمونیست ویتنام شمالی فرستاد از آنها خواست با آغاز گفتگوهای صلح موافقت کنند.

● پاپ نامه ای نیز در این باره برای نخست وزیر ویتنام جنوبی فرستاده است.

● **پرزیدنت ایوبخان رئیس جمهوری پاکستان دیروز در سر راه خود به تاشکند وارد کابل شد.** انتظار میرود مدت توقف ایوبخان در افغانستان در روز بطول انجامد.

● **فیلدمارشال ایوبخان و لعل بهادر مستری روز چهاردهم دیماه در تاشکند با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.**

## صنایع فولاد

دست نشانده خود. در این مدت استعمار در پناه همان ثروتی که از برکت آهن و تکنیک جدید بدست آورده بود، عوامل رنگارنگ خود را بنام سیاستمدار، اقتصاددان و متخصص بر ملت ما تحمیل نمود و عواملی که همه معتمد بودند که ایران کشور پرست کشاورزی، عواملی که همه معتمد بودند که این کارها برای ایران صرف نمیکند، عواملی که بظهور بنا بر مصالح اربابان خود بر همه چیز جهان از دریچه سوداگری مینگریستند و بمدد ویار ارقام و محاسباتیکه متخصصین و کارشناسان استعمار با دریافت حق الزحمه های گزاف برای کشور ما تهیه کرده بودند، صنعتی شدن کشور و ایجاد صنایع ذوب آهن را غیر اقتصادی نشان داده و ملت ایران را از واقفان زبانش؟! آزر بخذر میداشتند. آنها معتمد بودند که توسعه اقتصادی بدون ایجاد صنایع ذوب آهن و صنعتی کردن کشور نیز امکان پذیر نیست و برای اثبات مدعای خود همیشه استثنائهای نادری داشتند. در حالی که به بدیهی ترین پدیده های که امروز در جهان ملتها بچشم میخورد نمیخواهند توجه داشته باشند. کشورهای جهان بسته با اینکه صنعتی باشند و یا غیر صنعتی بدو گروه کشورهای توسعه یافته و کم رشد تقسیم میگردند. آیا آنها قادرند در میان کشورهای عقب افتاده حتی از یک کشور صنعتی نام ببرند؟ حصول توسعه اقتصادی و در نتیجه خروج از کشور های توسعه نیافته جز با صنعتی کردن کشور امکان پذیر نیست. توسعه اقتصادی و آبادانی ایران نیز جز در پناه صنایع پیشرفته سنگین ممکن نخواهد شد. تکیه زدن بر پشت تراکتورورها کردن خیش، دست یافتن به پدیده های شگرف تمدن امروزی که همگی از موهبت های تکنیک میباشد، فقط در پناه صنایع امکان پذیر است و پس از پایان دوره رنج و شروع دوره آهن تا امروز هر روز این نقش بزرگتری در زندگی ملتها بازی کرده است. در آن زمانهای دور ملتها ی فرهنگ آفرین با آهن از فرهنگ، نژاد و ملت خود در برابر یورش اقوام بیابانگرد و بدور از فرهنگ دفاع کردند و در آن زمانهای دور اقوام بیابانگرد با تکیه بر آهن بر ملتهای بزرگ تاختند و آنرا از پای افکندند. در زمانهای بعد کشورهای استعمارگر اروپائی با تکیه بر آهن و باروت نفوذ خود را در جهان بسط دادند و گروه ها گروه کشورهای بدو را از آهن را بزرگتر تسلط خود در آوردند. آهن در گذشت سده ها تا با امروز نه فقط اهمیت خود را ازدست نداد، بلکه در سده های اخیر بطور تصاعدی بر اهمیت و قدرت آن افزوده گردیده. بطوریکه امروزه قدرت حیاتی ملتها را بر پایه تولید سرائه فولاد میسجند. امروز نیز قدرت استعمار نوین تکیه بر آهن دارد و در پناه صنایع پایه گرفته بر آهن است که جهان ملت های غیر صنعتی را عرصه تاخت و تاز استعمار اقتصادی خود قرار داده است امروز نیز چون دیروز استقلال سیاسی متکی به آهن است. بنابراین کاملاً روشن است که استعمار میکوشد تا کشور های ضعیف را از داشتن صنایع آهن بدور نگهدارد.

● **پرزیدنت ایوبخان رئیس جمهوری پاکستان دیروز در سر راه خود به تاشکند وارد کابل شد.** انتظار میرود مدت توقف ایوبخان در افغانستان در روز بطول انجامد.

● **فیلدمارشال ایوبخان و لعل بهادر مستری روز چهاردهم دیماه در تاشکند با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.**

● **پرزیدنت ایوبخان رئیس جمهوری پاکستان دیروز در سر راه خود به تاشکند وارد کابل شد.** انتظار میرود مدت توقف ایوبخان در افغانستان در روز بطول انجامد.

● **فیلدمارشال ایوبخان و لعل بهادر مستری روز چهاردهم دیماه در تاشکند با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.**

دوره رسیدن بهدهای بزرگ و در راه رسیدن بن زندگی شایسته، زندگی ای که بتواند راه نسل کنونی و فضای حیاتی نسل های آینده را تأمین نماید، باید بر روی اینگونه محاسبات خط بطلان کشید. این حقیقتی است اجتناب ناپذیر که در راه رسیدن بر راه حقیقی نسل کنونی و تأمین فضای حیاتی برای نسل آینده باید نسل کنونی فداکاری کند، باید پایه های صنعت را در این کشور استوار ساخت تا بجای صادر کننده مواد خام، کشور را بدل بیک صادر کننده مواد نیمه ساخته و ساخته کرد. فقط در پناه ایجاد صنایع و بخصوص صنایع سنگین است که میتوان راه حقیقی نسل کنونی را تأمین نمود. حفظ حیات ملت ایران، انجام آبادانی در دست های وسیع کشور، داشتن ارتش نیرومند که نیازمند بیدگران نباشد، کوه تا سخن رسیدن به استقلال اقتصادی و در نتیجه استقلال سیاسی جز در پناه صنایع سنگین امکان پذیر نیست. یکبار دیگر شمار پیروز خود را که همیشه راهنمای بخشی از مبارزات ما بوده است تکرار میکنیم که: «صنعتی کردن ایران یک گانه راه تأمین کامل استقلال اقتصادی و سیاسی میهن ما میباشد.»

تاریک هندوچین صبح امید ی خوار درخشید؟